

## مفاهیم و مبانی حقوق گردشگری در نظام بین الملل

مجید احمدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۰

محمدحسین جعفری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۲

ایرج حسینی صدرآبادی<sup>۳</sup>

گردشگری امری است که در دوران کهن غیر مرسوم بوده است. امروزه گردشگری به یک پدیده و از نمادهای مهم عصر تمدن تبدیل شده است. (لانکوار، ۱۳۸۱: ۱۰) توسعه وسایل حمل و نقل و فشرده‌گی زندگی در دنیای مدرن باعث شد تا انسان‌ها تمایل بیشتری به گردشگری پیدا کنند. در جهان امروز با همگانی شدن جهانگردی و به وجود آمدن بسترهای مناسب برای سیر و سفر در کشورهای مختلف و تشکیل و تاسیس سازمان جهانی جهانگردی (UNWTO) معنا و مفهوم جهانگردی تغییر یافته و جهانگردان علاوه بر حقوق طبیعی خود، از حقوق جدید و امتیازات ویژه برخوردار شده‌اند. گسترش گردشگری به میزانی بوده است که دولتها و نهادهای بین‌المللی نمی‌توانستند نسبت به قوانین آن بی‌تفاوت باشند. گردشگری با خود دو نوع حقوق را به همراه آورده است برخی از آنها موضوعاتبا توجه به اینکه حقوق گردشگری، یکی از حوزه‌هایی است که ممکن است محل تعارض و چالش میان حقوق و قوانین داخلی با حقوق و قوانین بین‌المللی بشود، تبیین حقوق گردشگری و جایگاه آن در منابع حقوق داخلی و بین‌المللی حائز اهمیت است.

کلمات کلیدی: اخلاق گردشگری، اعلامیه جهانی، حقوق گردشگری، گردشگری، نظام بین الملل.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

majidir@iran.ir

<sup>۲</sup> دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول) vakeel@gmail.com

<sup>۳</sup> دکتری حقوق عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

Iraj.sadrabadi@gmail.com

معنی و مفهوم جهانگردی و حصول حقوق جدید برای گردشگر، عمدتاً معلول تدوین و تصویب مقررات حقوق بشر و الزامی شدن اجرای آن در کشورهای عضو سازمان ملل متحد بوده است. در این مسیر تأثیر جوامع مدنی، اتحادیه‌های بین‌المللی و سازمان‌های رسمی جهانگردی و تصمیمات متخذه در مجامع بین‌المللی از جمله توصیه‌های کنفرانس سال ۱۹۶۳ ملل متحد در رم و بالاخره توصیه‌ها و سفارش‌های کنفرانس سال ۱۹۸۸ ونکوور در کانادا و مهم‌تر از همه، شناخت هر چه بیشتر احکام و موازین دینی و مذهبی در این زمینه چشمگیر بود.

تدوین حقوق جدید جهانگرد و شناسایی آن در همه کشورهای، باید از طریق مجامع بین‌الملل و یا از طریق اتحادیه بین‌الملل سازمان‌های رسمی و جهانگردی و یا در نظر گرفتن نظرات تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد و با هماهنگی و همکاری سازمان یونسکو صورت گیرد و پس از تصویب و نهایی شدن آن، در قوانین اساسی کشورهای عضو، وارد و بر اجرای آن تأکید شود و گرنه این اندازه از امتیاز و حقوق جهانگرد که در حال حاضر در اغلب کشورها به آن عمل می‌شود، برای اجرای رسالت و اهداف انسانی جهانگردی کافی نیست و ثمره‌ای جز تأمین انگیزه‌ها و اهداف اقتصادی صرف به بار نخواهد آورد.

چارچوب مفهومی:

## ۱- گردشگری

لغت گردشگری از کلمه تور به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین تورنس به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد می‌باشد که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه و در نهایت به انگلیسی راه یافته است. (عبدالمنافی، ۱۳۹۰: ۹۸)

جدای از این معنای لغوی، با توجه به تعاریفی که در قسمت پیش در باب گردشگر گفته شد، تمامی مسافرت‌هایی که واجد سه پارامتر باشند گردشگری به حساب می‌آید. مجموع این مسافرت‌ها را می‌توان در یک عنوان کلی‌تر به نام صنعت گردشگری قرار داد. این صنعت را می‌توان به عبارت لاتین آن یعنی صنعت توریسم نیز مورد خطاب قرار داد.

لغت توریسم (Tourism) از کلمه تور (Tour) به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین Tourns به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد و چرخش دارد که از یونانی به اسپانیا، فرانسه و در نهایت به انگلیس راه یافته است. در گذشته به گردشگران سیاح نیز گفته می‌شد که در اصل واژه‌ای عربی برگرفته از فعل سیاحت بوده است.

گردشگری یا توریسم (به انگلیسی: tourism) به‌طور کلی به عنوان مسافرت در نظر گرفته می‌شود. هر چند که در سال‌های اخیر شامل هرگونه مسافرتی می‌شود که شخص به واسطه آن از محیط کار یا زندگی خود خارج شود. همچنین منظور از توریسم می‌تواند کسب و کار مربوط به جذب گردشگردان، پذیرایی از آنان و سرگرم کردن آنها نیز باشد. (اعلایی، ۱۳۹۴: ۳۴)

مقایسه کردن میان مفاهیم گردشگر (توریسم) و گردشگری (توریست)، ما را در مقابل یک تفاوت بنیادین و مهم قرار می‌دهد و آن تفاوت این است که در حالیکه برای سفر یک گردشگر، نباید مایه‌ها و انگیزه‌های اقتصادی و تجاری وجود داشته باشد اما خود گردشگری به عنوان یک صنعت محسوب می‌شود که واجد جنبه‌های قابل توجه اقتصادی است. در واقع توریسم، امروزه خود صنعتی است که نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان، دقیق و علمی است تا بتواند محلی برای کسب درآمد و انتفاع مالی باشد.

اگر بخواهیم با دید اقتصادی به گردشگری نگاه کنیم؛ می‌توان آن را نوعی مهمان‌نوازی تجاری تلقی نمود که طی آن میزبانان به بهترین نحو از میهمان خود پذیرایی کرده و سعی دارند تا خاطرات و تجارب خوشایندی برایشان فراهم نمایند، اما از این میهمان‌نوازی منفعت نیز حاصل کنند. (آقاجانی، ۱۳۸۶: ۱۸)

در تعریف گردشگری و تعیین قلمرو آن، باید گروه‌های مختلفی که در این صنعت مشارکت دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند را لحاظ کرد. عوامل عمده در این صنعت عبارتند از:

- ۱- توریست‌ها و یا گردشگرانی که در صدد کسب تجارب فیزیکی و روانی و رضایت و راحتی از سفرند.
- ۲- سازمان‌های فعال در زمینه نهیه و تدارک کالاها و خدمات مورد نیاز گردشگران؛ سازمان‌های مذکور از این طریق به منافع خود می‌اندیشند.

۳- دولت کشور میزبان، شامل سیاستمدارانی که به گردشگری به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد درآمد شهروندان و افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم می‌نگرد.

۴- جامعه میزبان، میان آنها و گردشگران تعامل برقرار می‌شود که این تعامل می‌تواند اثرات مثبت و یا منفی داشته باشد. (زاهدی، ۱۳۸۵: ۴)

بنابراین گردشگری مجموعه تعامل‌هایی است که در فرایند جذب و میهمانداری بین توریست‌ها، سازمان‌های مسافرتی، دولت‌های میزبان و مردم محلی برقرار می‌شود. (سلیمان‌پور، ۲۰۰۶: ۱۲)

## ۲-۱: ارکان گردشگری

جدای از عوامل اصلی گردشگری اصلی که در قسمت فوق بدان اشاره شد، میزان موفقیت در گردشگری تابعی است از دو جزء اساسی. در واقع بودن این دو جزء یا رکن است که موفقیت در توسعه سیاست‌های گردشگری را تضمین می‌کند که یکی از آنها وجود جاذبه‌های گردشگری است و دیگری تسهیلات و خدمات گردشگری.

### ۳-۱. جاذبه‌های گردشگری

هر پدیده یا عامل انگیزشی که در مقصد جذابیت ایجاد کرده و منجر به مسافرت فرد یا افرادی از نقاط مختلف به مقصد گردشگری شود جاذبه نامیده می‌شود. جاذبه‌ها را در ادبیات گردشگری به دو دسته تقسیم می‌کنند: جاذبه‌های طبیعی و جاذبه‌های فرهنگی که هر کدام از این انواع، طی متنوع و گوناگونی از پدیده‌ها را به خود اختصاص می‌دهند.

وجود جاذبه‌ها یکی از مهمترین دلایل مسافرت مردم به یک مقصد خاص است. جاذبه‌های گردشگری به عنوان عامل جذب با توجه به ویژگی‌های خاص و جذابیت‌هایی که دارند، می‌توانند گردشگران را از نقاط مختلف و سرزمین‌های دور به سمت خود بکشانند. هر چقدر جاذبه گردشگری متنوع‌تر، منحصر به فردتر و جذاب‌تر باشد از قدرت کشش بالاتری برخوردار خواهد بود و در نتیجه حوزه نفوذ وسیع‌تری خواهند داشت. اهمیت جاذبه‌ها به حدی است که وجود امکانات اقامتی و پذیرایی، فروشگاه‌های سوغاتی و صنایع دستی حداقل به وجود چند جاذبه اولیه بستگی دارد که این جاذبه‌های اولیه ممکن است به صورت منفرد بوده و یا اینکه با جاذبه‌های بزرگتر یا کوچک‌تر خود ترکیب شده باشند. شناخت رابطه بین انواع جاذبه‌های مختلف یکی از مهمترین مراحل توسعه گردشگری است. شناسایی و معرفی ویژگی‌ها، جذابیت‌ها و توان‌ها بالقوه و بالفعل جاذبه‌ها از ارکان اصلی صنعت گردشگری بوده و معیاری است برای تعیین ظرفیت پذیرش گردشگران، برنامه‌ریزی و توسعه بازار و مدیریت بازاریابی. جاذبه‌های گردشگری با توجه به تنوع، منحصر به فرد بودن، درجه اعتبار و سندیت، ارتباط و مجاورت با سایر جاذبه‌ها، در دسترس بودن، زنده بودن و موقعیت استقرار دارای اهمیت و میزان کشش‌پذیری متفاوتی هستند که می‌توانند انگیزه سفر را در گردشگران مختلف تقویت کند. (آقاجانی، ۱۳۸۳: ۷۲)

#### ۴-۱: تسهیلات و خدمات گردشگری

در فرهنگ جهانگردی، مجموعه تأسیسات و تجهیزات مربوط به حمل و نقل، اقامت، پذیرایی، تفریح و خدمات جنبی مربوط به گردشگری را تسهیلات و خدمات گردشگری می‌نامند. تأسیسات اقامتی عمدتاً عبارتند از: هتل‌ها و مهمان‌خانه‌ها، اردوگاه‌های گردشگری، پانسیون‌ها و متل‌ها و تأسیسات پذیرایی نیز از رستوران‌ها، دکه‌های اغذیه‌فروشی، کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و نظایر اینها تشکیل می‌شود. تأسیسات تفریحی عبارتند از پارک‌ها، استخرهای شنا، پیست‌های ورزشی، کلوپ‌ها و نظایر آنها. در کنار این تأسیسات یک سلسله فعالیت‌های خدماتی وجود دارند که غیرمستقیم در خدمت جهانگردی قرار می‌گیرند. این خدمات عبارتند از پمپ‌های بنزین، تعمیرگاه‌های اتومبیل، فرودگاه، راه‌آهن، ترمینال‌های مسافربری، بانک‌ها، آژانس‌های مسافرتی، مرکز مراقبت‌های ایمنی و بسیاری دیگر از خدمات جنبی مورد نیاز. تسهیلات و خدمات گردشگری به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اشکال عرضه در صنعت گردشگری بیشترین حجم درآوردایی را برای جوامع میزبان به ارمغان می‌آورند. برای ارائه تسهیلات و خدمات گردشگری مطلوب باید ابتدا زیرساخت‌هایی تأمین شود و درواقع زیرساخت‌ها بخش عمده‌ای از این رکن را تشکیل می‌دهند. دسترسی‌ها (زمینی، هوایی، دریایی)، آب آشامیدنی و تأسیسات فاضلاب، خدمات بهداشتی و فویت‌های پزشکی، تأمین انواع انرژی و ارتباطات (سیستم مخابرات، پست، اینترنت) در حوزه زیرساخت‌ها قرار می‌گیرند و این عوامل در توسعه گردشگری نقش بسیار کلیدی ایفا می‌کنند. آنچه در توسعه زیرساخت‌ها حاء اهمیت و در توسعه فعالیت‌های گردشگری قابل توجه است، استفاده جامعه میزبان از این تسهیلات است. بدین صورت که گرچه بسیاری از این زیرساخت‌ها با هدف توسعه گردشگری ایجاد می‌شوند، اما مردم ساکن در جامعه میزبان نیز از این امکانات استفاده نموده و بدین گونه توسعه گردشگری

منجر به توسعه فرابخشی، به ویژه در مناطق روستایی شده و میزان رضایت از زندگی مردم بومی را افزایش می‌دهد. (همان، ۹۴-۹۵)

بنابراین وجود جاذبه‌ای گردشگری در یک منطقه شرط لازم برای فعالیت‌های مربوط به آن می‌باشد، اما کافی نیست. شرط کافی آن وجود تأسیسات و خدمات رفاهی و همچنین وجود سیستم حمل و نقل و شبکه راههای استاندارد است که بتواند نیازهای مسافران را در حد مطلوب برآورده سازد.

## ۲- حقوق گردشگری

حق گردشگری همانند سایر حقوق اساسی بشر از مبانی استوار متعددی برخوردار است و لزوم شناسایی آن را در هر جامعه‌ای ضروری می‌سازد. تعدادی از مصادیق حقوق گردشگران از جمله حق امنیت، سلامت، بیمه، تساوی مرد و زن، حق اطلاع‌رسانی صادفانه به گردشگر، پوشش درمانی، امنیت غذایی، جبران خسارت گردشگران، حق برخورداری از ارتباطات جدید و فناوری تجارت الکترونیکی و غیره می‌باشد که هر یک دارای آثار و احکام حقوقی خاصی است و صرفاً گزاره‌های اخلاقی محسوب نمی‌گردد. بنابراین مصادیق حقوق گردشگر در زمره حقوق طبیعی و عمومی است.

حق به معنای ادعا محسوب می‌شود ولی درباره حقوق خاص گردشگر باید در مورد هر یک به صورت موردی اظهار نظر کرد به عنوان مثال حق دسترسی گردشگر به مقامات سفارت کشور متبوع خود می‌تواند همزمان دارای دو مفهوم حق به معنای ادعا و حق به معنای مصونیت محسوب شود یا حق جبران خسارت گردشگران توسط دولت و آژانس‌های گردشگری می‌تواند حق در معنای قدرت به شمار آید. (حسینی، ۱۳۹۵: ۴۰)

در نظام حقوقی ایران دو دسته قوانین وجود دارد: بخشی از قوانین درون‌مرزی هستند و بعضی هم برون‌مرزی. قوانین درون‌مرزی، طبق ماده ۵ قانون مدنی و ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، بر تمامی سکنه ایران حاکمیت دارد؛ یعنی هر بیگانه‌ای که به خاک ما وارد می‌شود باید رفتاری مطابق با نظم عمومی ایران داشته باشد و قوانین ما یکی از منابع مهم نظم عمومی ماست. این اصلی جهانی و پذیرفته شده است که هر خارجی به قوانین و مقررات کشور میزبان احترام گذارد. (همان، ۳۹)

در ادامه رساله، به‌طور مفصل به این موضوع خواهیم پرداخت. در این قسمت صرفاً به بیان این نکته بسنده می‌کنیم که یکی از مهمترین مسائلی که در مورد حقوق گردشگری وجود دارد تطابق یا عدم تطابق قوانین بین‌المللی مربوط به گردشگری با قوانین و نظم داخلی کشور پذیرنده است. بدون شک ایجاد انسجام و همسویی میان این دو می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه گردشگری داشته باشد.

## ۳- اخلاق گردشگری

سعادت و زندگی خوب، از مهمترین آرمانهای دیرینه بشر از آغاز تاکنون بوده است. آدمیان با تمام تنوع نژادها و گونه‌های متفاوت فرهنگی، برای تأمین سعادت و نیک‌زیستی با عوامل تهدیدکننده آن در تمام قرون و اعصار دست و پنجه نرم کرده‌اند.

یکی از مهمترین این عوامل تهدیدکننده، خود آدمیان بوده‌اند. غرایز آدمی و طبع حیوانی او در بسیاری از اوقات باعث شده تا او دست به رفتارها و اقداماتی بزند که مخل یک زندگی سعادت‌مندانه برای دیگر انسان‌ها می‌شود.

وجود گزینه برای حیات طبیعی و مادی انسان، لازم و ضروری است. گزینه، حیات انسان را در بعد مادی تنظیم می‌کند؛ مانند گزینه جنسی که موجب بقای نسل انسان است. اقتضای غرایز و تمایلات انسان فعالیت‌های التذادی است که انسان به گونه طبیعی به سوی آنها جذب می‌شود، ولی از آن جا که انسان موجودی افزون طلب و نوحواست و در اعمال و خواسته‌های خود در حد و اندازه‌ای توقف نمی‌کند، چه بسا در پاسخ به غرایز و تمایلات غریزی خود، دچار زیاده‌روی شود.

این ضرورت است که مقوله‌ای به نام اخلاق را وارد ادبیات زندگی انسان‌ها می‌کند. تجربه عینی و تاریخی زندگی انسان، ضرورت رویکرد به تربیت و تهذیب را به عنوان عامل مهم سامان‌بخش زندگی و تأمین سعادت، بارها به اثبات رسانده است. به دلیل اهمیت و نقش عمده «اخلاق» در سامان‌دهی زندگی، اندیشمندان و فیلسوفان همواره در بسط و تبیین مسائل و مفاهیم اخلاقی کوشیده‌اند.

فلسفه اخلاق یا ضرورت اخلاق‌مداری، ناشی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی و گروهی انسان‌هاست. این ضرورت‌ها سؤال‌های کلیدی و مهمی را مطرح می‌کند: اینکه آیا نیازی به اصول اخلاقی برای تنظیم روابط اجتماعی هست؟ آیا کسی در جهان بر مبنای اصول اخلاقی رفتار و برخورد می‌کند یا حتی اصلاً کسی می‌تواند بر آن مبنا رفتار و برخورد کند؟ آیا انسان‌ها به خودی خود، در سازگاری با هنجارهای اجتماعی، درست و اخلاقی رفتار نمی‌کنند و نیازی به اصول قطعی جهانشمول دارند؟

به پرسشهایی اینگونه درباره اخلاق همواره دو پاسخ یکسره متفاوت و در عین حال متضاد داده شده است و هیچگاه تشخیص پاسخ درست امری ساده نبوده است. هر دو پاسخ هم درست و هم نادرست به نظر می‌آیند و این بر پیچیدگی مسئله می‌افزاید. از یک سو بنظر می‌آید که اصول اخلاقی آنچنان مهم هستند که در مورد اهمیت آنها نمی‌توان مبالغه کرد. تضمین قوام زندگی اجتماعی و حتی تداوم زیست ساده مادی را می‌توان بدانها نسبت داد. عملاً وفاداری به اصول اخلاقی‌ای همچون وفا به عهد، پرهیز از دروغ و عدم استفاده ابزاری از دیگران زندگی اجتماعی را امری ممکن می‌سازد. در غیاب آنها اعتماد متقابل، همزیستی اجتماعی و همکاری غیر ممکن خواهند بود. این در حالی است که شناخت اصول اخلاقی و توجه به اهمیت آنها از هر انسانی بر نمی‌آید.

فرایند زندگی اجتماعی با جدائی‌ها و رقابت‌های انسان را به ترجیح منافع شخصی یا گروهی خویش بر هر امر دیگری و نادیده گرفتن اصول اخلاقی بر می‌انگیزد. در این شرایط، احکامی معین باید رویکرد اخلاقی را به انسان گوشزد کنند یا به او همچون یک حکم یادآوری کنند تا او اخلاقی رفتار کند.

از سوی دیگر می‌توان ادعا کرد که هیچکس بر مبنای اصول اخلاق دست به کنش نمی‌زند. بدون تردید انسان‌ها بر مبنای هنجارها و معیارهای رفتار می‌کنند و دست به کنش می‌زنند اما این هنجارها و معیارها بیشتر اجتماعی هستند تا اخلاقی. فرد نیز هیچگاه توجهی آگاهانه و هدفمند بدانها ندارد بلکه چون آنها را درونمند و به بخشی از وجود خویش تبدیل ساخته بر آن مبنا رفتار می‌کند. کنش هنجارمند تا حد زیادی به شکل خود به خودی صورت می‌گیرد.

کمتر کسی از سر تأمل و سنجیدن بدیل‌های موجود از خُلف وعده، دروغ‌گویی و قتل اجتناب می‌رود. گاه البته در موقعیتهائی مجبور می‌شویم با ارزیابی بدیلها و تأمل درباره هنجارها رفتار معینی را در پیش گیریم. چون فکر می‌کنیم حرف راست ممکن است به منافع خود ما یا دیگران لطمه وارد آورد دروغ‌گویی را بر می‌گزینیم و به تأمل دربارهٔ درستی یا نادرستی هنجارهای اجتماعی می‌پردازیم. اینگونه مسائل، سبب شده تا اخلاق، تعریف و تبیین آن، علوم مختلف مربوط به اخلاق و راهکارهای نهادینه کردن اخلاق در یک گروه اجتماعی و به ویژه در میان اجتماع بزرگ انسان‌ها، همواره یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های نویسندگان، اندیشمندان و فعالین اجتماعی باشد.

درباره اخلاق، علوم گوناگونی پدید آمده است که هر کدام به جنبه خاصی در باره آن می‌پردازد. علم اخلاق به صفات و افعال خوب و بد و آثار و نتایج آن‌ها می‌پردازد. صفات اخلاقی کدامند؟ چه آثار و فوایدی دارند؟ چه صفاتی را باید کسب کرد. از چه صفاتی باید به دور بود. حاصل آن که شناخت خوب و بد افعال و صفات، آثار آن‌ها و شیوه آراستگی به صفات افعال خوب و پرهیز از افعال و صفات بد، محتوای علم اخلاق است. (نراقی: ۱۳۸۳: ۴)

البته اخلاق، تحت یک عنوان و مفهوم کلی وجود ندارد، بلکه زمینه‌ها و بسترهای مختلف زندگی انسان، شاخه‌های مختلف از اخلاق را به خود معطوف داشته است. برای هر کدام از حوزه‌های رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها، مجموعه‌های مختلف اخلاقی پدید آمده است که به عنوان دستورالعملی برای عمل انسان‌ها نصب‌العین قرار می‌گیرد. حوزه گردشگری نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند و باید که نظام‌نامه‌ای از اصول اخلاقی را واجد باشد تا عملکرد افراد و دولتهای درگیر با این مسأله را تنظیم و مدیریت کند.

علم اخلاق می‌تواند چهارچوبی فراهم آورد که بتوان در قالب آن، گردشگری پایدار را مورد بررسی قرار داد. این امر بدین سبب است که بخش بسیار مهمی از علم اخلاق، شرح و تفسیر ارزش‌هاست و با بررسی تعاریف مختلف از گردشگری پایدار، ارزش‌های آن آشکار خواهد شد. در رابطه با گردشگری پایدار، در طول پنجاه سال گذشته، ارزش‌ها و ادراک ما از آنها تغییرات چشمگیری داشته است و به دلیل تغییر در ادراک ما، زمینه اخلاقی که تصمیمات گردشگری در آن اتخاذ شده‌اند نیز دستخوش تغییراتی شده است. (هادسون و میلر، ۲۰۰۵: 132)

مفهوم گردشگری اخلاقی بر مفهوم توسعه پایدار، عدالت و احترام استوار است و به طور تحت‌اللفظی می‌توان آن را عمل اخلاقی گردشگر و کسب و کارهای گردشگری در قبال جوامع محلی و نیز در برخورد با خود گردشگران دانست. گردشگری اخلاقی با این مفهوم، برخی از مواقع به جای گردشگری جایگزین و گردشگری پایدار نیز به کار می‌رود. (لومین و ادموندز، ۲۰۰۷: ۶۶)

بنابراین باید گفت از آنجایی که اخلاق در بسترهای زمانی و مکانی ممکن است صورت‌های متفاوتی پیدا کند، وقتی صحبت از گردشگری، مسافرت و رفت و آمد به میان می‌آید، می‌تواند برخوردهای چالشی و تنش‌زا به وجود آید. اخلاق متفاوت در سرزمین الف و در میان مردمان آن سرزمین، برای فرد ورودکننده ممکن است نامأنوس، ناشناخته و حتی باطل به نظر بیاید و بالعکس. رسیدن به یک چارچوب پایدار اخلاقی در این زمینه، یکی از مهمترین اقداماتی است که می‌بایست در راستای توسعه

گردشگری صورت گیرد؛ چارچوبی که در آن ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های اخلاقی، بستری برای احترام متقابل به وجود بیاید تا زمینه مسافرت‌های گسترده‌تر فراهم آید.

باب اخلاق در گردشگری از آن جهت باب مهم و پر اهمیتی است که گردشگری در قرن بیستم، آفات بیشماری را از جانب گردشگری غیرمسئولانه و بی‌توجه به اخلاقیات متحمل شده است. با حذف و نادیده گرفتن اخلاق و اصول پایدار اخلاقی از گردشگری، به احتمال زیاد در آینده شاهد تخریب بسیاری از جاذبه‌های گردشگری در کل جهان خواهیم بود. همگام با موج گسترده لطمات بشر به دنیا و محیط زیست، گردشگری و جابجایی انسان‌ها هم به شدت مستعد آن است که این فرایند تخریبی را تکمیل کند. از همین رو امروزه تدوین نظام‌نامه‌ها و چارچوب‌های اخلاقی برای تنظیم و مدیریت مناسبات گردشگری بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد.

در واقع باید گفت آثار مثبت و منفی گردشگری به شدت متنوع است. از طرفی با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نقش مهم و مثبتی در زمینه تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی کشورهای مقصد ایفا می‌کند. همچنین با ایجاد آگاهی و احترام نسبت به تنوع فرهنگی و روش‌های زندگی در بین ملت‌ها، به تفاهم بیشتر بین فرهنگی می‌انجامد. اما از سویی دیگر مقوله توریسم بعنوان یک ابزار اشتغال‌زا تمامی انتظارات را برآورده نمی‌کند. در عین حال شکایت‌های متعدد در کشورهای مقصد گردشگری حکایت از آثار منفی و تخریب در زمینه‌های محیط زیست، فرهنگ و روش‌های سنتی زندگی دارد. بطوری که لزوم گسترش یک اخلاق پایدار را در صنعت گردشگری بیش از پیش مطرح می‌سازد.

#### ۴- حقوق گردشگری در اعلامیه جهانی حقوق بشر

پیشینه مفهوم حقوق بشر به پیشینه تاریخ بشریت برمی‌گردد. در همه اعصار مجموعه حقوقی به بشریت از منظر بشر بودن او تعلق می‌گرفت. در قرن پنجم پیش از میلاد اندیشه‌های حقوق بشر در ذهن کورش شاه هخامنشی در ایران شکل گرفت تا جایی که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که قدیمی‌ترین و نخستین منشور بین‌المللی حقوق بشر، منشور کورش است.

کورش در منشور خود که بعد از فتح بابل صادر شد مجموعه‌ای از حقوق را برای مردم بابل در نظر گرفت: «به مردم شهر بابل آزاری نرسد، همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی‌دینان تحت فشار قرار نگیرند و...» (مهدی عباسی، ۱۳۸۵: ۱۷) اگرچه توجه به این قدمت موضوعی اعلامیه حقوق بشر، مهم است اما آنچه در اینجا از آن یاد می‌کنیم، اعلامیه جهانی حقوق بشر در دوران معاصر است که در جهان غرب پیشینه داشته است: از جمله منشور کبیر انگلستان در ۱۲۱۵م، اعلامیه حقوق در انگلستان در ۱۶۸۹م، اعلامیه استقلال آمریکا در ۱۷۷۶م، اعلامیه حقوق بشر فرانسه در ۱۷۸۹م و... در مجموع می‌توان گفت ریشه‌های تشکیل این اعلامیه به جنگ جهانی اول برمی‌گردد، که در ۱۹۱۴م شروع شد و به مدت چهار سال حدود ۲۰ میلیون نفر از افراد بشر کشته یا مفقود و یا ناقص‌الاعضاء شدند و علاوه بر آن بشریت تلفات فراوانی را متحمل شد و پس از آن جنگ جهانی دوم ایجاد شد (۱۹۳۹م تا ۱۹۴۵م) که حدود ۵۵ میلیون نفر کشته شدند و ۲۰ میلیون نفر از مردم را مجروح ساختند، دو بمب اتمی و در پی آن کشتار وسیع مردم هیروشیما و ناگازاکی ژاپن، هدیه‌ی منحصر به فرد آمریکا به بشریت در پایان جنگ جهانی دوم بود. کارگردانان این جنگ‌ها قدرت‌های جهانی آن زمان و عصر حاضر بودند. بعد از این فجایع جهانی علیه بشریت بود که تلاش‌هایی جدی برای تنظیم برنامه‌ای مدون به منظور توجه به بشریت و حقوق آن‌ها صورت گرفت. تا به اعلامیه جهانی



حقوق بشر نوبت رسید که عمومی‌ترین آن برنامه‌ها در سطح جهانی بود و توسط کمیسیون حقوق بشر (تأسیس: ۱۹۴۶م) که تا آن زمان اصلی‌ترین نهاد حقوق بشری سازمان ملل متحد محسوب می‌شد و ۱۸ کشور عضو آن بودند، پیش‌نویس شد و در دسامبر سال ۱۹۴۸م آنرا به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارجاع دادند و در آنجا این اعلامیه به اتفاق آرای شرکت‌کنندگان آن زمان تصویب شد و تنها شش کشور عضو بلوک شوروی، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی به این اعلامیه رأی منفی دادند. (همان، ۲۵)

از نظر معنا حقوق بشر به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که برای حفظ شان، جایگاه و رفاه انسانی تک تک افراد وضع شده است.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دارای ۳۰ ماده است که به‌طور کلی می‌توان آنرا در سه بخش طرح کرد: بخش سیاسی - مدنی که شامل مواد ۱۸ تا ۲۱ و ماده ۲۸ اعلامیه می‌باشد. بخش اجتماعی - فرهنگی که شامل مواد ۳ تا ۱۷ است و بخش اقتصادی اعلامیه که شامل بقیه مواد آن می‌باشد. موادی که مجموعه‌ای مرتبط با هم را تشکیل داده است یعنی این بخش‌ها به‌طور مجزا تنظیم و تشکیل نشده است. مسائلی چون: آزادی مسکن، آزادی مسافرت، آزادی اجتماع و اتحادیه، حق برخوردای تأمین اجتماعی و حق استمداد، حق کار و امور مربوط به آن، حق استفاده از تعلیم و تربیت، تساوی زن و مرد. (اسدالله مبشری، بی تا، ۱۳۸۴)

مهم‌ترین حقوق مندرج در مواد سی‌گانه این اعلامیه عبارتند از: آزادی شخصی و مصونیت و حق برائت، حق مالکیت، حق اجتماع و تشکیل انجمن، آزادی سیاسی و مذهبی و اعتقادی هم در عقیده و هم در بیان آن، تساوی در برابر قانون و حق شکایت به دادگاه صالحه در برابر مظالم و نقض حقوق، حمایت از اقلیت‌های مذهبی و نژادی، حق پناهندگی، حق شرکت در انتخابات بدون توجه به زبان و نژاد و...، حق برخورداری از شغل مناسب مطابق با شأن انسانی، حق دریافت دست‌مزد برابر کار و دست‌مزد مناسبی که امکان زندگی مناسب و در خور مقام انسان فراهم می‌کند، حق برخورداری از تابعیت و تغییر آن، حق برخورداری از تفریح و زمان استراحت و مرخصی کافی و با استفاده از حقوق، حق برخورداری از خوراک، پوشاک، مسکن و بهداشت، حق برخورداری از آموزش‌های ابتدایی، اجباری رایگان، حمایت ویژه از زنان و کودکان. (عباسی، پیشین، ۲۷-۲۸)

هرچند در دوران تصویب اعلامیه در مجمع عمومی سازمان ملل افراد اندکی از الزام‌آور بودن آن صحبت کردند و این موضوع چندان جدی پیگیری نشد اما بعد از آن تعداد فزاینده‌ای از کشورها آنرا لازم‌الاجرا دانستند زیرا: (۱) بسیاری از کشورهای تازه استقلال‌یافته پس از ۱۹۴۸ قانون خود را به اعلامیه مستند می‌کردند. (۲) سازمان‌های بین‌حکومتی محلی نیز در قوانین خود به آن استناد می‌کردند. (۳) خود سازمان ملل و بسیاری از نهادهای تخصصی‌اش در قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های خود به آن تمسک می‌جستند. (گلن جانسون، ۱۳۷۸: ۲۷)

اما در چه صورتی به واقع لازم‌الاجرا بودن آن برای ملل مختلف مشخص می‌شود؟

در این باره شروطی تعیین شده است که از جمله‌ی آن‌ها عبارتند از: ۱- این حقوق در معاهده‌ای که به مثابه قانون بین‌المللی شناخته می‌شود گنجانده شود. ۲- امضاءکنندگان این معاهده بپذیرند که این حقوق در دادگاه‌های کشورشان لازم‌الاجرا باشد. ۳- در میان عوامل بازدارنده از هرگونه نقض این معاهده نوعی نظارت عمومی و بین‌المللی برقرار شود که با ساخت کارهای زیر

تکمیل شود: فرستادن دادخواست به ملل متحد، ایجاد نهادی برای بررسی شکایت‌های مربوط به این نقص‌ها، مباحثات در مجمع عمومی. ۴- دادگاه بین‌المللی حقوق بشر ایجاد شود. ۵- تمام دولت‌هایی را که بر این نقض‌ها پافشاری کردند بتوان از ملل متحد اخراج کرد (همان) اما این مطلب تنها در حد طرحی برای بهبود وضع ضمانت اجرایی این حقوق ارائه شده است.

حقوق بشر، دستورالعمل‌هایی الزام‌آور نبودند و به استناد بند ۷ ماده منشور سازمان ملل متحد: «هیچ‌یک از مقررات این منشور ملل متحد را مجاز نمی‌شمرد که در اموری که ذاتاً در حوزه صلاحیت ملی هر دولتی است دخالت کند و اعضا را نیز ملزم نمی‌سازد که چنین اموری را تابع مقررات این منشور کند...» (همان، ۲۱)

دولت‌ها مکلف به تطبیق قوانین خود با منشور جهانی حقوق بشر نبودند اما به هر صورت، پشتیبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌توانست مشروعیت مناسبی به برخی رویه‌ها بدهد و در مقابل، نكوهش فعالیت یا رفتاری توسط این اعلامیه باعث می‌شود دولت‌ها در انجام آن رفتار نكوهش شده به دردمس بیافتد و هزینه‌های قابل توجهی به ویژه در افکار عمومی جهانی پرداخت کند.

آنچه پیرامون مسأله گردشگری در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، در ماده ۱۳ آن گنجانده شده است: «۱- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید. ۲- هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد» (همان، ۱۰۹)

#### ۴-۱: حقوق گردشگری از منظر اطلاعیه‌ها و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان جهانی جهانگردی

به غیر از حقوق طبیعی بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر که جنبه عام و جهانشمول دارند، سازمان جهانی گردشگری به عنوان مهمترین مرجع تخصصی مربوط به مسائل گردشگری نیز به این مسأله ورود پیدا کرده است و سفر انسان‌ها به نقاط مدنظرشان را به عنوان یکی از حقوق اساسی نوع بشر به رسمیت شناخته است.

سازمان جهانی جهانگردی در مورد حق مسافرت، اطلاعیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی صادر کرده است. مثلاً در سال ۱۹۸۰ در مانیل پایتخت فیلیپین اطلاعیه‌ای صادر شده که تأکید آن این است که گردشگری از جمله فعالیت‌های اساسی زندگی ملت‌ها بوده و توسعه آن در گرو آزادی سفر است. همچنین در قطعنامه (X/RES/3/7) سازمان جهانی جهانگردی که در بالی اندونزی در اکتبر ۱۹۹۳ به تصویب رسیده، آمده است: «کارشناسان اعتقاد دارند که حق برخورداری از توان سفر با ایمنی کامل برای تمام اتباع کشورهای جهان، یکی از حقوق اساسی بشر است، هر گونه حمله و تهدیدی را که به این حق اساسی برای سفر لطمه زند محکوم می‌کنیم و حمایت خود را از کلیه کشورها و افرادی که از ناحیه جرایم و ارعابی که متوجه مسافرها و گردشگران است لطمه دیده اند اعلام می‌داریم (امور بین الملل معاونت سیاحتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹)

همچنین بیانیه‌ای در امان پایتخت اردن در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان اصلح از طریق جهانگردی صادر شده است که در آن به حق مسافرت اشاره شده است که عبارت است از اینکه حق مسافرت حقی است همگانی که همه افراد باید بدون هر گونه قید و شرط بی مورد از آن بهره مند باشند. این بیانیه در تاریخ پنجم مهر ماه ۱۳۸۰ در تهران به تصویب رسید (دفتر امور بین الملل سازمان ایرانگردی و جهانگردی، ۱۳۸۰: ۸۳)

ملاحظه می‌شود که در بیانیه و قطعنامه‌های فوق حق گردشگری به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناسایی و به رسمیت شناخته شده است. بیانیه امان حقوق گردشگری را با صراحت بیشتری مورد شناسایی قرار داده است و به جهت اینکه این بیانیه به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران نیز رسیده است می‌توان از آن به عنوان یکی از مبانی حق گردشگری در ایران نام برد.

### نتیجه‌گیری

در دوران کنونی که بسیاری از صنایع و بازارهای پررونق و پرسود جهان، با رکود مواجه هستند صنعت گردشگری خود را به عنوان یک صنعت پاک و روبه رشد معرفی کرده است اما نکته مهم در این خصوص، مواجه گردشگران با آداب و رسوم و فرهنگ‌های متفاوتی است که با توجه به اهمیت برقراری روابط خوب میان جوامع میزبان و گردشگران کدهای جهانی اخلاق گردشگری دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد لذا با توجه به رقابت شدید میان کشورهای ارائه دهنده خدمات گردشگری برای جذب گردشگران بیشتر و کسب درآمد بیشتر، پیروی از اصول بین الملل حائز اهمیت خواهد بود چه بسا که با حقوق فضایی کشورها نیز رابطه دارد.

## منابع:

- ۱- آقاجانی، سمیه، (۱۳۸۳)، قابلیت‌ها و محدودیت‌های توسعه استان گیلان در زمینه گردشگری، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای علمی-پژوهشی گیلان و برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران
- ۲- اعلائی، آذین، (۱۳۹۴)، روانشناسی گردشگری، تهران: نشر ساکو
- ۳- جانسون گلن، (۱۳۷۸)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، تهران: نشر نی
- ۴- حسینی، علی، (۱۳۹۵)، گردشگر خارجی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی مازنداران
- ۵- زاهدی، شمس السادات، (۱۳۸۲)، تحلیلی بر انواع جهانگردی و ارتباط آنها با یکدیگر، فصلنامه مطالعات جهانگردی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره پیاپی ۱، تابستان ۸۲ تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی
- ۶- عبدالمنافی، طاهره و مصطفی ازکیا، (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر بر صنعت گردشگری در منطقه روستایی کلاردشت، فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم
- ۷- مبشری، اسدالله، (بی تا)، حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۸- نراقی ملا محمد مهدی، (۱۳۸۳)، جامع السعادات، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- ۹- هال، مایکل کالین و جنکینز، جان، (۱۳۸۲)، سیاستگذاری جهانگردی، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی